

بخش اول

مقایسه پیشرفت علم طب با پیشرفت سایر علوم

بدون استثنا، عموم مردم در یک اشتباه بزرگ با هم شریک‌اند و آن اینکه صدها اختراع و اکتشاف شگرف و خیره‌کننده دنیای متمدن غرب، از قبیل تلگراف، تلفن، رادیو، تلویزیون، رادار، انواع ماشین‌ها، هواپیماهای کوه‌پیکر و نظایر آن‌ها را می‌بینند و از مشاهده آن‌ها چنین تصور می‌کنند که اروپاییان در همه چیز جلو افتاده و مثلاً در علم طب نیز به همان اندازه و به همان سرعت، پیشرفت و ترقی کرده‌اند. حال آنکه این مقایسه و این طرز تفکر جز اشتباه چیزی نیست، زیرا تمامی این اختراعات و اکتشافات خیره‌کننده بر اثر پیشرفت علوم فیزیک و شیمی و مکانیک پیدا شده و پیشرفت این علوم خیلی بیش‌تر و سریع‌تر از پیشرفت علم طب صورت گرفته و دانش پزشکی از این علوم بسیار عقب افتاده است. علت اصلی آن، این است که علوم فیزیک، شیمی و مکانیک، بر مبانی دقیق و روشنی استوار شده‌اند که بیان آن‌ها به زبان ریاضی، به سهولت ممکن است و به این جهت خیلی زود و زیاد پیشرفت کرده‌اند ولی دانشمندانی که در رشته‌های مختلف دانش پزشکی مطالعه می‌کنند، خود را دائماً مواجه با مطالبی می‌بینند که تفسیر آن‌ها ممکن ولی

تعمیم فرمول‌های ریاضی دربارهٔ آن‌ها میسر نیست. به این جهت قوانین علم طب مثل قوانین علوم فیزیک و مکانیک صریح و قاطع نیست و در هر مورد، اختلاف آرا و تناقضات و مجهولات زیاد در آن دیده می‌شود. همین امر باعث کندی پیشرفت علم طب نسبت به سایر علوم شده است تا آنجا که طبق عقیدهٔ یکی از محققان بزرگ اروپا، تمام آنچه که تاکنون در علم طب شناخته شده در مقایسه با آنچه باید دانسته شود، تقریباً، هیچ است و اگر کسی کتاب‌های طبی را با کمال دقت مطالعه کند و در حین مطالعه، مخصوصاً به این نکته توجه داشته باشد که مطالب مجهول را از معلوم جدا کند و آنچه را مبهم و متناقض است به کنار بگذارد، به درستی بر او ثابت خواهد شد که در علم طب، کم‌تر عقاید مثبت و محکم و پابرجایی وجود دارد، بلکه هرجا نظر کند با مطالب مبهم و مجهول روبه‌رو خواهد شد.

این مجهولات از لحظه‌ای که مطالعه در روی سلول‌های بدن آغاز می‌شود تا آنجا که علت اصلی بیماری‌ها را باید تحقیق و جست‌وجو کرد، همه‌جا موجود است. برای روشن شدن مطلب، چند مثال ذکر می‌کنیم؛ مثلاً، در مورد سلول‌ها و بافت‌ها، ما نمی‌دانیم که زندگی و حیات چگونه در سلول‌های بدن نگهداری می‌شود و مولکول‌های اجسام شیمیایی در ساختمان گذران سلول‌ها که دائماً دستخوش تغییر هستند چه سهمی در حفظ زندگی دارند. اعضای بدن از بافت‌ها و بافت‌ها از اجتماع سلول‌ها به وجود آمده‌اند ولی معلوم نیست سلول‌ها در اجتماعات خود چگونه به سر می‌برند. هیئت اجتماع آن‌ها بی‌شباهت به اجتماعات مورچه و زنبور عسل نیست. همان‌طور که مورچه و زنبور عسل وظایفی را که در اجتماع به عهده دارند قبلاً می‌دانند گویا سلول‌ها نیز به وظایف خود از پیش خبر دارند ولی کیفیت این عمل بر ما مجهول است. چگونگی روابط اعمال روانی با سلول‌های مغزی هنوز بر ما پوشیده است و ما حتی فیزیولوژی حقیقی سلول‌های مغزی را نمی‌دانیم. هنوز

ما نمی‌دانیم که خصایص عضوی و روانی که افراد از پدر و مادر خود به ارث می‌برند به چه ترتیب و چگونه تحت تأثیر شرایط زندگی، محیط و غذاها و آب و هوای گوناگون قرار گرفته و تغییر می‌کنند. هنوز معلوم نیست چه روابطی بین رشد استخوان‌ها و عضلات و اعضای بدن با فعالیت‌های روانی و معنوی موجود است و همچنین از شناسایی عواملی که تعادل دستگاه عصبی و مقاومت در برابر بیماری‌ها را تأمین کند عاجزیم. یکی از دانشمندان متخصص در بیماری‌های مغز و اعصاب به نام سوک^۱ درباره علت بیماری صرع می‌نویسد:

«جهل ما درباره علت بیماری صرع هنوز ادامه دارد و تا کنون کار ما جز این نبوده است که فرضی را روی فرض دیگر آورده و این فرض‌ها را روی هم انباشته و به این ترتیب چوب‌بست سستی شبیه به چوب‌بستی که بناها موقع ساختن بنا بر پا می‌کنند بسازی».

خلاصه، اینکه اگر کتاب‌های پزشکی امروز را ورق زده و مطالب آن را زیرورو کنیم همه‌جا با این قبیل مجهولات و نیز با کلمات و جملاتی نظیر «نمی‌دانیم»، «هنوز معلوم نشده است»، «مطمئن نیستیم» و... روبه‌رو خواهیم شد. کوتاه سخن اینکه، بر دانشمندان و متخصصان فن پوشیده نیست که پیشرفت دانش پزشکی، در قرون اخیر، خیلی کندتر از پیشرفت علوم فیزیک، شیمی و مکانیک صورت گرفته است و به علت مشکلات زیادی که در راه تحقیقات و تجسسات طبی وجود دارد مطالب مبهم و نامعلوم و قضایایی که از حدود فرض و تصور خارج نشده‌اند در آن زیاد دیده می‌شود و از اینجا است که اختلاف آرا و عقاید ضد و نقیض بسیار بین دانشمندان پزشکی وجود دارد، تا آنجا که یکی از محققان اروپا گفته است هیچ عقیده‌ای در علم طب دیده نمی‌شود که عقیده ضد آن اظهار نشده باشد و همین اختلاف آرا و عقاید ضدونقیض، آشفتگی‌هایی در طب امروز ایجاد کرده است. البته این آشفتگی و بی‌نظمی در تمام دوران طولانی تاریخ پزشکی

همواره وجود داشته است ولی هرگز میزان آن به درجه کنونی نرسیده بوده است. عجیب اینجا است که امروزه هیچ کس وجود این آشفتگی‌ها را حس نمی‌کند بلکه برعکس آنچه ظاهر امر نشان می‌دهد جز آراستگی و پیراستگی چیزی نیست، زیرا در تمام کشورهای دنیا دانشکده‌های پزشکی با برنامه‌های وسیع و کامل خود مرتباً به تعلیم علم پزشکی مشغول‌اند و دانشمندان شب‌وروز در آزمایشگاه‌ها و مؤسسات عظیم طبی به تجسسات و تحقیقات اشتغال دارند و هرچند وقت یک بار، از کشورهای مختلف جهان، در محلی دور هم جمع شده و کاوش‌های علمی و اکتشافات خود را به یکدیگر عرضه می‌کنند و نتیجه این تحقیقات و تجسسات در روزنامه‌ها و مجلات علمی درج و منتشر می‌شود و سرعت ارتباطات کنونی به حدی است که کلیه پزشکان دنیا از اکتشافات کوچک و بزرگ که در دورترین نقاط زمین پیدا شده به زودی باخبر می‌شوند. به این ترتیب، گویا تمام کره زمین حکم کشور یا شهر واحدی را پیدا کرده و کلیه افراد بشر با یکدیگر دایماً در ارتباط علمی هستند. چکیده تمام مطالعاتی که تاکنون در رشته‌های مختلف دانش پزشکی به عمل آمده در کتاب‌ها و مجلات طبی منعکس شده است و اطبای دنیا همواره به دستورهای مندرج در این کتاب‌ها عمل می‌کنند. هیچ امری که حاکی از عدم نظم و ترتیب و یا وقفه‌ای در پیشرفت دانش پزشکی باشد مشاهده نمی‌شود، در این صورت، چگونه می‌توان تصور هرج و مرج و آشفتگی را در علم طب حتی در مخیله خود خطور داد؟

پاسخ این سؤال این است که این نظم و ترتیب و این آراستگی و پیراستگی، تماماً ظاهری است و اگر کسی با نظری دقیق و موشکاف به تحقیق و بررسی پردازد در ورای این ظاهر منظم و آرام، آشفتگی‌های بسیاری مشاهده خواهد کرد. از نتایج مستقیم این آشفتگی‌ها باید وفور بیماری‌ها در بین مردم و وجود مکتب‌های مختلف پزشکی در بین پزشکان دنیا و رواج بی‌حد و حساب و بی‌بندوبار داروها را در جامعه نام برد.